

نابغہ ای از
مکتب تشیع

نویسنده

محمد رضائی آهوانوئی

انتشارات انسر تک

۱۳۸۵

رضائی آهوانوئی، محمد، ۱۳۴۰

نابغه ای از مکتب تشیع / نویسنده محمد رضائی آهوانوئی. - تهران: انس تک، ۱۳۸۳.
۱۶۰ ص.

ISBN ۹۶۴-۹۴۰۸۷-۴-۶

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

کتابنامه: ص. ۱۴۹-۱۶۰.

۱. شریف الرضی، محمد بن حسین، ۱۳۵۹-۴۰۶ ق. - سرگذشتنامه.

۲. شریف الرضی، محمد بن حسین، ۳۵۹-۴۰۶ - نقد و تفسیر. الف. عنوان.

۲۹۷/۹۹۸

BP۵۵/۳/۶

۸۳-۳۱۸۹۵

کتابخانه ملی ایران

۱۳۸۳



ناشر: انتشارات انس تک ۶۶۰۴۳۹۲۹

نام کتاب: نابغه ای از مکتب تشیع

نویسنده: محمد رضائی آهوانوئی

مروف چین و صفحه آرا: مریم تک

ناظر مروف چینی و صفحه آرای و چاپ: محمد حسین تک

نوبت چاپ: اول - ۱۳۸۵

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: چاپ بهمن

شابک: ۹۶۴-۹۴۰۸۷-۴-۶

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است.

تیراژ: ۲۰۰۰ جلد

فهرست مطالب

پیشگفتار..... ۱

۱- مقدمه..... ۱

«فصل اوّل»

۲- اوضاع قرن چهارم هجری..... ۱۵

الف) سیاسی..... ۱۵

ب) اقتصادی..... ۲۳

ج) دینی و مذهبی..... ۲۵

د) فرهنگی، علمی..... ۲۸

«فصل دوّم»

موقعیت شیعه در قرن چهارم..... ۳۴

۱- آشکار شدن شعارهای شیعه..... ۳۷

۲- روابط اهل تسنّن و شیعه..... ۳۹

۳- بغداد و کرخ..... ۴۱

«فصل سوّم»

نابغه ای از بغداد..... ۴۴

الف) خاندان سیّد رضی..... ۴۵

ب) طاهر ذوالمنقب پدر او..... ۴۶

ج) فاطمه مادر سیّد رضی..... ۵۰

۵۲.....	د) سید مرتضی برادر او.....
۵۵.....	ه) تحصیلات سید رضی.....
۵۸.....	فضایل اخلاقی سید رضی.....
۵۸.....	۱- مناعت طبع.....
۶۰.....	۲- احترام به استاد.....
۶۱.....	۳- حضور قلب.....
۶۱.....	۴- در خدمت خلق.....
۶۳.....	۵- شجاعت سید.....
۶۵.....	استادان سید رضی.....
۷۱.....	موقعیت علمی سید رضی.....
۷۳.....	مناصب شریف رضی.....
۷۳.....	۱- نقابت.....
۷۵.....	۲- امارت حج.....
۷۶.....	۳- نظارت بر دیوان مظالم.....
۷۷.....	۴- دارالعلم.....
۷۸.....	شاگردان سید رضی.....
۸۰.....	نظرات بعضی از دانشمندان شیعه و سنی پیرامون سید رضی.....
۸۳.....	تألیفات سید رضی.....

«فصل چهارم»

- ۸۸..... بررسی آثار وی
- ۸۸..... نهج البلاغه
- ۱- کسانی که پیش از سید رضی خطبه ها و نهج البلاغه را جمع آوری کردند..... ۹۵
- ۲- منابع قدیمی خطبه های نهج البلاغه و کتاب خانه هایی که مورد استفاده ی سید رضی قرار گرفت..... ۹۹
- ۳- تأثیر نهج البلاغه در ادب عربی و فارسی..... ۱۰۳
- ۴- نمونه ای از نظرات دانشمندان پیرامون نهج البلاغه..... ۱۰۶
- ۵- کارهایی که برای نهج البلاغه انجام شده است..... ۱۱۱
- ۶- کاری مهم و جاودانه..... ۱۱۴
- ۷- تخلص البيان فی مجازات القرآن..... ۱۱۵
- ۸- المجازات النبویه..... ۱۱۶
- ۹- حقایق التأویل فی متشابه التزیل..... ۱۱۸
- ۱۰- خصائص الاثمه..... ۱۲۵
- ۱۱- شعر و دیوان سید رضی..... ۱۲۷
- الف) ویژگی شعر سید رضی..... ۱۳۰
- ب) تقسیم اشعار رضی بر اساس نظر حنا الفاخوری..... ۱۳۳
- ۱۲- نمونه هایی از اشعار سید رضی..... ۱۳۷
- ۱۳- کتبی که از سید رضی سخن گفته اند..... ۱۴۳

۱۴- وفات سید و مرقد او..... ۱۴۶

۱۵- منبعی که به طور مستقیم و غیر مستقیم مورد استفاده قرار گرفته

است به ترتیب حروف الفبا..... ۱۴۹

www.ketab.ir

«مقدمه»

سائلی را گفت آن پیر کهن
چند از مردان حق گویی سخن
گفت خوش آید زبان را بر دوام
تا بگوید حرف ایشان را مدام
گر نیم از ایشان گفته ام
خوش دلم کاین قصه از جان گفته ام^۱
شرح حال بزرگان دین و علم و اسوه های عرفان و ادب و
بیان زندگی انسان هایی که در طول حیاتشان در رشد تعالی و
ترقی انسان، انسانیت، فرهنگ، علوم، فنون، ادب و ... نقش
مهمی داشته اند از دیر زمان بر دفتر روزگار و تاریخ، ثبت و
درج گردیده و می گردد.

از کتب الهی گرفته تا بسیاری از کتاب های بشری، این
کار در طی قرن ها و اعصار متمادی در جوامع مختلف، در
غرب و شرق، جاری و ساری بوده است و اندیشمندان بزرگی
عمر گرانمایه ی خویش را برای ثبت زندگی صالحان و

۱- بیدارگران اقالیم قبله، محمد رضا حکیمی، مقدمه.

شایستگان و دانشمندان صرف کرده اند. برای اثبات مطالب فوق کافیت خواننده به کتابخانه ای مراجعه و قفسه های متعددی را که از تاریخ و شرح حال است ملاحظه نماید. به نظر حقیر در این زمینه، قلم یاری نمی کند تا همه ی کتب مربوط به همین موضوع را احصا نماید.

از طرفی انسان در مسیر کمال، سخت تحت تأثیر محیط، از مصلحان، الگو می پذیرد. بر همین اساس دانشمندان بزرگی کمر همت بسته اند تا زندگی پر افتخار فرهیختگان و فرزندان علم و ادب و عرفان را از اعماق صفحات تاریخ بیرون کشند و سران گران سنگ برای جوامع بشری مهیا کنند، تا کاروان بشر به سوی ترقی و تعالی و تکامل با خاطری آسوده و با شتابی بیشتر گام بردارند و از صراط حق نلغزند، حظ کافی را از تجارب گذشتگان ببرند. با نگاهی اجمالی به تمدن بشری، انسان به این نتیجه می رسد که گذر زمان به همراه انسان هایی تلاش گر، ساعی، دلسوز و مخلص، تمدن بشریت را رو به بهبودی برده است و اگر در اوراق تاریخ، کندهای ارتجاعی در بهبودی تمدن بشریت ملاحظه شود به طور قطع، عدم

حضور مصلحان واقعی احساس یا حاکمان جور مانعی برای پرتو افشانی فرزندگان و علما قرار می دادند.

از آن جا که اسلام دینی است که توجّه خاصی به اصلاح انسان دارد و هدف از ارسال رسل و انزال کتب همین بوده است و برای رسیدن به آن مقصود، طرق متعدّدی وجود دارد که یکی از آن ها معرفی کردن الگوی نیکوست.

همان طور که حضرت باری تعالی در کتاب عظیم خود فرموده: «لقد کان لکم فی رسول الله اسوه حسنه لمن کان یرجو الله و الیوم الآخره و ذکر الله کثیراً»^۱ به دلیل این که بیان نمونه های اعلای انسانی تأثیر ویژه ای در رشد و تعالی جامعه دارد، بر آن شدیم تا یکی از این اسوه های زیبا را در حدّ بضاعت علمی و با توجّه به امکانات، با قلمی نه چندان توانا معرفی کنیم. هم چنین بیان شرح حال اندیشمندان، توانای تشیع می تواند ضمن الگو و راهنما شدن برای نسل جوان که امروز سخت دشمن، او را نشانه گرفته و با تهاجم فرهنگی بنا دارد هویت او را مسخ کند و ضمناً پاسخی باشد به بعضی از

نویسندگان و مبلغان غربی و غرب زده که گفته اند: «شیعه، طایفه ای بود کوچک و آثار قابل انعطافی نداشت و اکنون شیعه در دنیا وجود ندارد.^۱»

هرچند که مردان بزرگی چون شیخ آقا بزرگ تهرانی، متوفی به سال ۱۳۵۹ هجری قمری به همراه دو دوست علمیش سیدحسن صدر، متوفی به سال ۱۳۵۴ هجری قمری و شیخ محمد حسین کاشف الغطاء، متوفی به سال ۱۳۷۳ هجری قمری، هم پیمان شدند تا هریک در باب معرفی شیعه و فرهنگ غنی تشیع، کاری را به عهده گیرند و سخن این نویسنده ی مغرض را پاسخ دهند.

شرح آن چنین است که قرار شد علامه سیدحسن صدر درباره ی ثمرات علمی شیعه و نشان دادن سهم آنان در تأسیس و تکمیل علوم اسلامی تحقیق کند و ثمره ی کارش کتاب «تأسیس الشیعه العلوم الاسلام» شد، این کتاب در سال ۱۳۷۰ هجری در ۴۴۵ صفحه چاپ گردید. قرار شد علامه شیخ محمد حسین کاشف الغطاء، کتاب «تاریخ آداب اللغة العربیه»

جرجی زیدان را نقد کند و اشتباهات او را بازگو کند. این کار را انجام داد و نقدی جامع و علمی بر هر چهار جلد کتاب جرجی زیدان نوشت و مؤلف را به اشتباهات و خطاهایش متوجه کرد و نقد نامه ی کاشف الغطاء برای بار دوم در بوئنوس آیرس، منتشر شد و در محافل علمی آن روز بحث ها برانگیخت و سر و صدا به پا کرد.

اما شیخ آقا بزرگ تهرانی متعهد شد فهرستی برای تألیفات شیعه بنویسد که حاصل تلاشش کتاب «الدَّرِیْعَه الی تصانیف الشَّیْعَه» در ۲۴ جلد گردید و در این مجموعه ی عظیم علمی، حدود پنجاه تا شصت هزار تألیف شیعه را طی چهارده قرن در علوم و فنون مختلف می شناساند.^۱

و هم چنین پاسخی باشد به افرادی که از سر عدم آگاهی گویند: اسلام دینی است که مسلمانان را به انزوای طلبی، عزلت نشینی، بیکاری، بی سوادی و تحجرگرایی دعوت کرده است و به دانش و دانشمندان عنایتی نداشته است.

۱- شیخ آقا بزرگ تهرانی، محمد رضا حکیمی، ص ۲۴-۲۳.

به خاطر توجه بیشتر به زندگی دانشمندان و تأثیرات آن‌ها بر اجتماع بشری، پای سخنان یکی از اندیشمندان دوره ی اخیر می‌نشینیم، که فرمودند: «در تاریک زار بی تپش زندگی توده‌ها، این مشعل روشنایی آفرین، دانش است که فروغ و زندگی و شور و تپش می‌آفریند. حتی آنان که به افق اعلای شهادت می‌رسند، جان می‌بازند و خون هیجان بار خود را بر رواق تاریخ می‌نگارند. پرورش یافته ی دامن دانش‌ها و بینش‌ها هستند. روح زندگی، ناموس اجتماع، شعله ی تاریخ، پگاه معنویت، غرور مایه ی انسانی و شور و شعور سیال و عزیز جامعه، دانش و دانشمندان هستند.

دانشمندان، ناموس جامعه و مرزبان معنویات و بازوی اندیشه‌ها و پشتیبان بشریت و مایه ی ارجمندی زندگی و مضمون داشتن تاریخند. این دانشمندان بودند که روشنی آفریدند و روشن‌گر نسل‌ها و عصرها شدند. این دانشمندان بودند که معنویت‌ها و ارجمندی‌ها را در رسته‌ها و دسته‌ها، هم چون گرامی‌ترین میراث نگاه داشتند. این دانشمندان بودند که فروغ بینایی و بصیرت خویش را تا درون نوامیس جهان

پیش بردند و گران ارج ترین ارمغان های دانشی و آزمایشی را برای آسایش امت ها و ملت ها به دست آوردند و به کار گرفتند. توده های انسانی بی آن که پیوسته آگاه باشند، از آثار وجود دانشمندان و عالمان، همیشه برخوردار بوده اند و برخوردارند و در پیمودن راه زندگی همواره از آنان یاری گرفته اند و می گیرند، خورشید و دانشمندان، همین سان فروغ بخش روز و راه زندگی ها خواهند بود. دانشمندان دین که وارثان رسالتند راه بیدارگری را در پیش گرفتند و بر همه ی سختی های آن هموارگون رفتند و هیچ گاه از پای ننشستند، هیچ روز خستگی نشناختند، هیچ دم، نسلی را به سهل انگاری و اهمال وا نداشتند. اگر نخفتند، اگر برای خویش، تن آرام نداشتند، اگر شب و روز نشناختند و چون چاهساران مغرب کام می گشود، شب را زنده می داشتند تا در شاخساران سپیده دست زنند و اگر از همه چیز چشم بستند تا به همه چیز چشم گشایند، این ها همه برای ادای منشور راستین حق ها و حقوق ها بود. بی هیچ گمان این گونه دانشمندان آنانند که به معنای راستین این واژه، دانشمندان و عالم. دانش، آمیزه ی

جان آنان شده است و تعهد و دین، سازنده ی روان آنان و حماسه، جوهر خون آنان، اینان همان وارثان پیامبرانند و مرزبانان تاریخ و تطهیر دهندگان زمانند. در دانش های پرورشی و علوم تربیتی معلوم کرده اند که برای نیرو بخشیدن به جان ها و پرورش نسلی کامل و کارآمد و مؤمن و کوشا و راست گوی و جدّی و متنفّذ، بهتر از هرچیز، آشنا کردن نوجوانان و جوانان و افراد است با بزرگان و راه شناسان، زیرا که آنان نمونه های راستینند که چنین بوده اند و این رسالت را ادا کرده اند و می کنند و راه درست را پیموده اند و می پیمایند. خوب است که چهره هایی از انسان های بزرگ در برابر مردم ترسیم شود و تندیس های پاک شکوهمند و فرازپایه و تعهدآموز از مردان حماسه و معنویت، در میدان های اندیشه برپا گردد تا با دیدن جاودان ها و جاودانگی های عزیز تاریخ و حماسه های راستین حقّ و راستی، خود را بسازند و ریشه ی هر ناروایی و نابسامانی فکری و علمی را بسوزانند.

مردم در دشتستان زندگی راه می سپارند و چه بسا با درّه ها و پرتگاه هایی که در سر راه آنان ایجاد می شود از همان راه هموار و بی تفاوت نیز باز می مانند. در این هنگام باید مردم را به خود آورد تا سر برآورند و به قلّه های افراشته و شکوه کردار بنگرند تا قلّه سانی و بلندگرایی و حماسه خویی در خونشان افتد و در ذاتشان زنده شود و تا بنگرند که چگونه کسانی قلّه آسا، وجود خویش را افراشته اند و به پایگاه عزّت خورشید خدا رسیده اند.

آری ما هم بر آن شدیم تا زندگی یکی از ابرار و نیکان و یکی از عالمان بزرگ، یکی از ادیبان و شعرای سترگ، یکی از فرزندگان علم و ادب و ایمان را که صاحب کتاب «اعیان الشیعه» در وصف او گفته: «فکان ادیناً، بارعاً، متمیزاً، و فقیها متبحراً و متکلماً حاذقاً و مفسراً الکتاب الله، شاعراً فذاً کاتباً بلیغاً و منشأً قدیراً»^۱ به نگارش درآوردیم. مردی که مؤلف «روضات الجنّات» در وصف او گوید: «تا کنون چشم زمانه در

۱- حکیمی، محمد رضا، شیخ آقا بزرگ تهرانی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، اسفند ۱۳۵۴، مقدمه ی کتاب.

۲- اعیان الشیعه، محسن امین الاسلام، ج ۹، ص ۲۱۸.

آن چه انسانی از انسان کاملی می خواهد مانند او را ندیده است. ستایش خدایی را که جز عصمت و امامت همه گونه مقام و اوصاف به او عطا کرده است و او را تا روز قیامت بر تمامی مردم حجت خود قرار داده است.^۱

دانشمند فقیه و متفکر، سید حسن صدر گوید: «او سخنور قریش و گوینده ی توانای ادیبان و پیشرو دانشمندان در عصر خویش، بر سایر فضلا و بلغا مقدم بود. او در مشاهیر شعرا نام بردار است، در تحقیق حقایق قرآنی و تدقیق تأویل، آن چنان سخن گفته که هیچ کس بر وی سبقت نگرفته و اندیشه ی کسی به آن نرسیده است.»^۲

از مردی الهی می خواهیم سخن بگوییم که با جمع آوری و تألیف یک اثرش خدمتی به ادبیات و لغت عربی و اخلاقی نموده است که قابل تصوّر نیست و تنها در شرح ترجمه ی آن اثر گران سنگ، ۳۷۰ کتاب نوشته شده^۳ و یک نویسنده ی متفکر و روشن دل مصر گوید: «اگر بگویید نهج البلاغه

۱- روضات الجنّات، محمد باقر خوانساری، متوفی ۱۳۱۳، ج ۷، ص ۱۲.

۲- تأسیس النبیّه، علوم الاسلام، سید حسن صدر، متوفی ۱۳۴۵، ص ۳۳۸.

۳- کتاب نامه ی نهج البلاغه، رضا استادی.

نزدیک به چهل بار شرح شده و اگر بگویید فصولی در آن است که به بعضی السنه‌ی شرقی و غربی ترجمه شده است و اگر بگویید این کتاب، ابواب و مذاهبی را برای نقد و بررسی گشوده است و اگر بگویید این کتاب بر اکثر سخن‌گویان فصیح برتری دارد و اگر بگویید نهج البلاغه مشهورترین مجموعه یا بزرگ‌ترین مجموعه‌ای است که از عصر خلفا تاکنون محفوظ مانده و اگر بگویید شرق و غرب را فراگرفته و کتابخانه‌ای نیست که از وجودش خالی باشد، آن وقت خواهید دید که او با جمع‌آوری این کتاب بی‌نظیر چه خدمتی به ادب و اخلاق و فرهنگ نموده است.^۱ از ادیبی می‌خواهیم سخن گوئیم که گستردگی و شیوایی کلامش آن‌چنان است که ابن خلکان، قاضی القضاات، احمد بن محمد ابن ابی بکر شافعی اشعری، مورخ مشهور، متوفی به سال ۶۸۱ هجری، در «وقیات الاعیان» می‌گوید: «نهج البلاغه از سخنان علی نیست بلکه کسی که آن را جمع‌آوری نموده، به آن

۱- عبقریه الشریف الرضی، دکتر زکی مبارک، ج ۱، ص ۲۲۴.

حضرت نسبت داده است.^۱ هرچند به این سخن ابن خلکان مستدلاً پاسخ داده شده است که در ادامه ی مباحث خواهد آمد، اما یک واقعیتی از آگاهی و تسلط مؤلف نهج البلاغه می رساند.

از رجل الهی می خواهیم حرف بزنیم که در تشیع جنازه ی برادر بزرگوارش از شدت درد و تألمات روحی نتوانست شرکت کند و به حرم موسی بن جعفر علیه السلام پناه برد، و نهایتاً فخر الملوک وزیر، بر جنازه اش به همراه کثیری از مردم نماز گذاشت و برادرش را آورد.^۲

آری این دانشمند و ادیب و شاعر و فقیه که از اسوه های واقعی است نه از اسطوره های ساختگی و عمر گران بهای خویش را در جهت دست یابی به مقامات ارزشمند علمی و معنوی و پاسداری از ارزش های اسلامی و دفاع از کرامت انسانی صرف نموده و راه و رسم چگونه بودن و چگونه زیستن را به نسل های بعد از خود آموخت جز «سید رضی»

۱- وفیات الاعیان، ابن خلکان، ج ۳، ص ۳.

۲- وفیات الاعیان، ابن خلکان، ج ۴، ص ۴۸، و کامل ابن اثیر جوزی، ج ۷، ص ۲۸۰.

کسی نیست، او عالمی عامل، ادیبی توانا و شاعری خوش گفتار است که اشعر شعرای قریش نام گرفت. مفسری دقیق، دارای ذوقی سرشار، همّتی والا، تقوایی بی نظیر، طبعی بالا، خلق و خوی پسندیده، اصل و نسبی پاک و طیب، فکری به بلندای تاریخ، ذهنی خلاق، اخلاقی نیکو، علمی وافر، تلاشی مضاعف و در یک کلام همه‌ی ارزش‌های انسانی و اسلامی را دارا بود.

بناست در این گفتار، چهره‌ی تابناک مردی از تبار نیکان و فردی از سلاله‌ی پاک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه‌ی اطهار علیهم السلام و آثار ارزنده‌ی ایشان را از زوایای مختلف مورد بررسی قرار دهیم.

ابتدا به اوضاع و احوال قرن چهارم، پس از آن بررسی شهر بغداد، مرکز خلافت و کرخ، پس از آن موقعیت شیعه در این قرن، بعد به زندگی سراسر درس و تلاش و کوشش سید رضی خواهیم پرداخت، به تألیفات و بررسی آثار و نظرات اندیشمندان، پیرامون شخصیت او خواهیم پرداخت و در پایان

از اشعاری که در وصف او سروده اند، آورده می شود.
امید که مورد نظر قرار گیرد.

www.ketab.ir